



دوفصلنامه علمی جستارهای ادب عربی

سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۴

ISSN: 2676-7716

مقاله پژوهشی

بازخوانی تحلیلی انتقادی ترجمه اسلوب قصر در دعای (۴۴) و (۴۵) صحیفه سجّادیه

(مطالعه موردی: ترجمه موسوی گرمارودی و استادولی)

سعید فخرآرا^۱ 

علیرضا خوئینان^۲ 

مهدی رضایی^۳



 چکیده

ابزار قصر پرکاربردترین و مهم‌ترین ابزار برای برجسته‌سازی و تأکید محتوای کلام است. مفاهیمی که در نظر گوینده از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند به وسیله این اسلوب نمایش داده می‌شوند؛ بنابراین در ترجمه این شگرد بلاغی باید دقت بیشتری کرد. دعای ورود و دعای وداع با ماه رمضان که در بردارنده گونه‌های مختلف قصر است؛ علاوه بر برجسته‌کردن فضیلت ماه رمضان، برخی از آداب اسلامی را نیز آموزش می‌دهد. این جستار با روش تحلیلی-انتقادی و رویکرد بلاغی به بررسی اسالیب مشهور و غیرمشهور قصر در این دو دعا پرداخته و دو ترجمه حسین استادولی و سید علی موسوی گرمارودی را نیز مورد ارزیابی دقیق قرار داده است. با بررسی‌های انجام شده در مجموع عملکرد هر دو مترجم، در برگردان اسلوب «نفی+استثنا»، «ماده اختصاص»، «نفس»، «صیغه تعجب» و «نعت تخصیصی» صد در صد، در برگردان اسلوب «اضافه به ضمیر»، «تکرار»، «اسناد مَرْتَبَیْن» و «مفعول مطلق نوعی» بیش از (۵۰٪)، در برگردان اسلوب «باب اشتغال»، «تعلیل» و «قد» کمتر از (۴۰٪)، و در برگردان سایر اسلوب‌ها (۰٪) بوده است.

واژگان کلیدی: اسلوب قصر، صحیفه سجّادیه، ترجمه موسوی گرمارودی، ترجمه استادولی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۲۵

۱. طلبه سطح ۴ رشته تخصصی ادبیات عرب باگرایش ترجمه بلاغی مدرسه علمیه عالی نواب مشهد-ایران. (نویسنده مسئول).

fakhrarasaeed40961@gmail.com

۲. طلبه سطح ۴ رشته تخصصی ادبیات عرب باگرایش ترجمه بلاغی مدرسه علمیه عالی نواب مشهد-ایران.

alireza39229@gmail.com

rezaeemahdi59@gmail.com

۳. مدیر گروه زبان و ادبیات عرب مدرسه علمیه عالی نواب.

بلاغت یکی از ستون‌های اصلی زبان و ادبیات عربی است که به واسطه آن، مفاهیم و معانی به شیواترین و عمیق‌ترین شکل ممکن بیان می‌شوند. اسلوب قصر یکی از ابزارهای مهم بلاغت در زبان عربی است که برای بیان انحصار و تأکید به کار می‌رود. این اسلوب در متون دینی، به ویژه در قرآن و صحیفه سجّادیه، نقش بسزایی در انتقال مفاهیم دینی و معنوی ایفا می‌کند. در صحیفه سجّادیه، این اسلوب به عنوان یکی از ابزارهای هنری و معنایی بسیار تأثیرگذار شناخته می‌شود که در هر عبارت آن نکات ظریف معنوی و بلاغی نهفته است. دعاهای ورود و وداع با ماه رمضان، دو نمونه شاخص از این مجموعه است که گونه‌های مختلف قصر در آن دو به کار رفته است. امام سجّاد علیه السلام بالغ بر (۵۴۰) مرتبه و بیش از (۲۳) گونه قصر، در دو دعای مذکور به کار برده‌اند. امام علیه السلام در دعای (۴۴) بیش از (۱۸۸) مرتبه و در دعای (۴۵) بیش از (۳۵۲) مرتبه از اسلوب قصر استفاده کرده‌اند. موضوعاتی که با اسلوب قصر بیان شده‌اند عبارت‌اند از: حمد و سپاس خداوند، شناخت فضائل ماه رمضان، حاجات و توبه. دلالت‌یابی دقیق این موارد و برگردان متناسب با غرض امام زین‌العابدین علیه السلام به درک مفاهیم عمیق توحیدی و عبادی موجود در این دعاها کمک شایانی می‌کند. ترجمه دقیق اسلوب قصر و هماهنگی با غرض متکلم در زبان مقصد، نیازمند دانش بلاغت است تا پیام اصلی متن بدون از دست دادن ظرایف بلاغی به درستی منتقل شود.

در این پژوهش، ترجمه‌های حسین استادولی و سید علی موسوی گرمارودی از صحیفه سجّادیه، مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته‌اند. این دو مترجم تلاش کرده‌اند تا ضمن وفاداری به متن مبدأ، زیبایی‌های ادبی و مفهومی این اثر را به زبان فارسی منتقل کنند. هدف این پژوهش، تحلیل و ارزیابی نحوه انعکاس اسلوب قصر در برگردان این دو مترجم است، تا نقاط قوت و ضعف هر یک در بازتاب دقیق و هنری این اسلوب روشن گردد. به رغم شهرت ترجمه‌های حسین استادولی و سید علی موسوی گرمارودی از صحیفه سجّادیه و تأکید بر رعایت نکات ادبی، از منظر وفاداری به متن مبدأ، مورد بررسی جامع و مستقلاً قرار نگرفته‌اند. این پژوهش قصد دارد به این خلأ علمی پاسخ دهد و به تحلیل تطبیقی این ترجمه‌ها در انتقال اسلوب قصر بپردازد. در نهایت، با تحلیل دقیق و تطبیق این ترجمه‌ها با یکدیگر، میزان موفقیت این دو مترجم در شناسایی زیبایی‌های بلاغی متن اصلی و بازآفرینی آن در متن مقصد ارزیابی و الگویی برای ترجمه بهتر اسلوب قصر در برگردان فارسی، ارائه شده است.

بنابراین کوشش شده با تمرکز بر یک جنبه بلاغی خاص (اسلوب قصر) و مقایسه تطبیق دو ترجمه معتبر، به دانش موجود در زمینه ترجمه متون دینی افزوده و پیشنهادهایی برای بهبود ترجمه‌های آینده ارائه کند.

پرسش‌های این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. چه اسالیب قصری با چه تفاوتی‌های دلالتی در دعای (۴۴) و (۴۵) صحیفه سجّادیه به کار رفته است؟

۲. آقایان موسوی گرمارودی و استادولی در برگردان این اسالیب چه میزان موفق بوده‌اند؟

هر دو مترجم در برگردان برخی از اسالیب قصر به ویژه اسلوب‌های مشهور عملکرد خوبی داشته؛ اما بسیاری از اسالیب غیرمشهور را ترجمه نکرده‌اند.

نگارندگان ابتدا به مبانی نظری اسلوب قصر پرداخته و در نهایت الگوی پیشنهادی برای ترجمه این اسلوب را ارائه کرده‌اند. در گام بعدی ضمن تحلیل گونه‌های قصر در دو دعای (۴۴) و (۴۵) با الگوی پیشنهادی در ترجمه اسلوب قصر به تفکیک عملکرد مترجمان را ارزیابی کرده‌اند.

پیشینه تحقیق

با بررسی‌های صورت گرفته دو پایان‌نامه به موضوع اسلوب قصر در صحیفه سجّادیه پرداخته‌اند. در ادامه به بیان ویژگی‌های این دو اثر و تفاوت جستار حاضر و نوآوری آن نسبت به دو پژوهش مذکور اشاره می‌شود.

۱. محمودی، فاطمه؛ شریف عسکری، محمد صالح؛ ناظمیان، هومن؛ «بررسی اسلوب قصر در صحیفه سجّادیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و زبان‌ها، سال ۱۳۹۵ ش. نگارندگان در این اثر به بررسی گونه‌های مشهور قصر در تمام صحیفه سجّادیه و در برخی از فرازهای ادعیه پرداخته و موضوعاتی که در آن از اسلوب قصر استفاده شده است را نامبرده و اغراض بلاغی آن را بیان کرده‌اند. ایشان بیشترین نوع قصر در صحیفه را، قصر حقیقی می‌دانند و قصر صفت در موصوف را بیشتر از قصر موصوف در صفت بیان می‌کنند. به نظر ایشان اسالیب قصر نسبت به یکدیگر برتری ندارند؛ بلکه هر اسلوبی برای غرض خاصی به کار برده می‌شود.

۲. غیاثوند، نازنین؛ ملازاده، ریحانه؛ مطهری، وحیده؛ «بررسی ترجمه اسلوب قصر در صحیفه سجّادیه: مطالعه موردی ترجمه‌های انصاریان، اصفهانی، شاهین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (ع)،



دانشکده ادبیات، سال ۱۴۰۰ ش. نگارندگان در این اثر به بررسی اسالیب مشهور قصر در پاره‌ای از فرازاها پرداخته و بر این اساس سه ترجمه را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. ایشان باور دارند که مترجمین در برگردان اسالیب قصر دقت کمی داشته و در ترجمه از معادل‌های متنوعی استفاده نکرده‌اند.

جستار حاضر گونه‌های مشهور و غیرمشهور قصر در دو دعای ورود به ماه رمضان و وداع با آن ماه را، به صورت گسترده (در تمام فرازاها) و جزئی (همه اسالیب به کار رفته) مورد بررسی قرار داده است. هدف در این پژوهش ارائه الگویی مناسب برای ترجمه گونه‌های مختلف قصر به زبان فارسی است که مطابق با اغراض قصر باشد. در این میان با بهره‌گیری از معادل‌های متنوع زبان فارسی، با رویکرد انتقادی دو ترجمه موسوی گرمارودی و استادولی را ارزیابی کرده است.

۱. معرفی دعای (۴۴) و (۴۵) صحیفه سجّادیه و موضوعات آن

ماه رمضان، فرصتی ارزشمند برای تعمیق پیوند معنوی با خداوند متعال است و یکی از مهم‌ترین اعمال عبادی این ماه، دعا و مناجات با پروردگار است. دعاها (۴۴) و (۴۵) صحیفه سجّادیه، با عناوین «دعا به هنگام فرارسیدن ماه رمضان» و «دعای وداع با ماه رمضان»، حاوی نکات اخلاقی و تربیتی هستند که تحلیل محتوای آن‌ها، نمایانگر عمق و گستردگی معارف در زمینه دعا و نیایش در ماه مبارک رمضان از زبان امام سجّاد علیه السلام است. دعای (۴۴) شامل (۱۹) فراز با مضامین معنوی و عبادی متنوعی آغاز این ماه شریف را گرمی می‌دارد و دعای (۴۵) نیز در (۵۶) فراز در بردارنده احساسات معنوی امام سجّاد علیه السلام در فراق این ماه پربرکت است (علایی رحمانی، ۱۴۰۱، ص ۱۴۹ تا ۱۵۱).

۲. مبانی نظری اسلوب قصر

در این بخش، در ابتدا به تبیین معنای لغوی و اصطلاحی قصر پرداخته می‌شود. سپس، تمایز میان قصر، حصر، اختصاص و تأکید مورد بررسی قرار می‌گیرد و بعد از بررسی ارکان و اقسام قصر، هدف از کاربرد اسلوب قصر و انواع آن به تفصیل شرح داده می‌شود.

۱-۲. معنای لغوی و اصلاحی «قصر» و «حصر»

واژه «قصر» در زبان عربی و قرآن کریم دارای طیف وسیعی از معانی است که از جمله آن‌ها می‌توان به کف نفس و محدود کردن (فراهدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۵۷)، حبس و بازداشت (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۰۵)،

کوتاهی (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۹۶)، خانه و عمارت (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۹) و ریشه درخت ضخیم (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۷۳) اشاره کرد. قصر در اصطلاح علم بلاغت نیز به معنای تخصیص چیزی به چیز دیگری از طریق روشی مشخص و معهود است (تفتازانی، بی تا، ص ۲۰۴).

به نظر می‌رسد آنچه از این تعابیر و همچنین معنای لغوی قصر برداشت می‌شود، وجود نوعی اختصار، اختصاص و انحصار در مفهوم قصر است. این روش در بلاغت برای تأکید هرچه بیشتر بر محتوای جمله و ایجاد اهتمام ویژه به آن به کار می‌رود. به عبارت دیگر، «قصر» یا «حصر»، منحصر کردن مسندالیه در حکمی است که به آن نسبت داده می‌شود.

۲-۲. هدف اصلی از استعمال اسلوب قصر

از نظر پژوهشگران هدف اصلی از بکارگیری اسلوب قصر تأکید است (شمیسا، ۱۳۷۴، ص ۱۷۲؛ کاکه‌رش و آریان، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳). به باور ادب‌پژوهان در این اسلوب نوعی تأکید و انحصار و اختصاصی وجود دارد که مفید قطعیت است (آقاحسینی و جمالی، ۱۳۹۰، ص ۳). در تأیید این مطلب می‌توان اشاره کرد که فرشیدورد نیز تأکید و اسلوب قصر را در یک عنوان بحث می‌کند (۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۹۷). حتی این اسلوب نه تنها پرکاربردترین (لطیفی، ۱۳۹۹، ص ۲)، بلکه قوی‌ترین ابزار برای تأکید است (لطیفی حسینی، ۱۴۰۳، ص ۴۱). متکلم به وسیله این ابزار در پی اثبات یا استدلال یا تحلیل گزاره‌ای است (کاکه‌رش و آریان، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳) و مهم‌ترین هدف آن نیز دفع شک و انکار مخاطب است (ولوی و تیزغم، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶).

نویسندگان بر این باورند که کاربرد ساختار قصر ادعایی در گفتمان، منوط به وجود حالت شک یا انکار در مخاطب است. به عبارت دقیق‌تر، هنگامی که مخاطب نسبت به گزاره‌ای دچار تردید باشد، دو وجه محتمل وجود دارد: اگر شک وی معطوف به مسندالیه باشد، متکلم از الگوی قصر تعیین استفاده می‌کند و اگر تردید متوجه مسند باشد، قصر افراد به کار می‌رود. در مواردی که مخاطب به کلی منکر گزاره باشد، بدون توجه به اینکه انکار وی ناظر به مسند یا مسندالیه باشد، از الگوی قصر قلب بهره می‌گیرد. قصر حقیقی نیز در ادامه بررسی خواهد شد.

۲-۳. ابزار تأکید محتوای کلام

قصر، به عنوان یکی از فنون بلاغی، از اهمیت ویژه‌ای در ایجاد تأکید و تخصیص در کلام برخوردار



است. علمای بلاغت، راه‌های متعددی برای ایجاد قصر برشمرده‌اند که برخی از آن‌ها، به دلیل نقش و کاربرد بیشتر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در اینجا، به بررسی و دسته‌بندی این راه‌ها با استناد به منابع معتبر بلاغی پرداخته می‌شود.

۲-۴. گونه‌های قصر

چهار گونه نفی و استثنا از قبیل: «إمّا»، «تقديم ما حقه التأخير»، عطف به وسیله «لا»، «بل»، «لكن»، مورد اتفاق اکثر علمای بلاغت بوده و به عنوان راه‌های اصلی ایجاد قصر شناخته می‌شوند (مدرس افغانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۳۵۶). علاوه بر گونه اصلی نامبرده، برخی دیگر از علمای بلاغت، راه‌های دیگری را نیز برای ایجاد قصر برشمرده‌اند. به عنوان نمونه ضمیر فصل، اسم نکره مقدم در جواب «إمّا»، تعریف مبتدا و خبر، کلمه «نفس»، توالی توکید، قلب برخی از حروف کلمه مانند «طاغوت»، حذف مسند و ذکر مسندالیه را از جمله راه‌های قصر نام برده شده است (سبکی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۶). همچنین سیوطی به یکی از موارد بالا اشاره می‌کند و آن، اسم نکره مقدم در جواب «إمّا» است؛ مانند «قائم» در جواب «زَيْدٌ إِمَّا قَائِمٌ أَوْ قَاعِدٌ». وی در مجموع (۱۴) طریق قصر برمی‌شمارد (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۳۵ تا ۱۴۰). در نتیجه اسلوب قصر محدود به همان چهار ساختار معروف نیست و ساختارهای دیگری نیز هستند که بدون هیچ مسامحه‌ای دلالت بر قصر دارند (زویعی، ۱۹۹۷، ص ۳۷۵).

باتوجه به بررسی‌های انجام شده، راه‌های ایجاد قصر فراتر از آن چیزی است که در کتب معتبر بلاغی به آن اشاره شده است. در این قسمت، به منظور دستیابی به یک دسته‌بندی جامع، تمامی راه‌هایی که به نوعی مفید قصر هستند، با رعایت اختصار برشمرده می‌شوند:

* نوع گونه	* نوع گونه	* نوع گونه
۱ نفی و استثنا	۱۷ بعض اوصاف خاص	۳۳ اسلوب «إِنَّ» + «لَمْ» تأکید
۲ ضمیر فصل	۱۸ ضمیر فصل	۳۴ «قَاتَمٌ» در جواب «زَيْدٌ قَاتَمٌ أَوْ قَاتَدٌ»
۳ ذکر مسند الیه	۱۹ اسم موصول	۳۵ تعبیر «لَاغیر»
۴ «إِنَّمَا» و «أَمَّا»	۲۰ بدل	۳۶ تعبیر «وَالسَّلَام»
۵ «إِنْ» و «أَنْ»	۲۱ تغییر در اسم منسوب	۳۷ تعبیر به «کما»
۶ عطف خاص بعد از عام	۲۲ دلالت عقلی	۳۸ واژه «فقط»
۷ تکیه بر آهنگ کلام	۲۳ تعلیل	۳۹ واژه «وَحْدَةً»
۸ جمله اسمیه	۲۴ سکوت در مقام بیان	۴۰ واژه «نَفْس»
۹ تقدیم ما حَقُّهُ التَّأخِير	۲۵ حذف مسند الیه به دلیل	۴۱ واژه «قَدْ» واضح بودن
۱۰ تعریف مبتدا	۲۶ قلب برخی از حروف کلمه	۴۲ واژه «مِثْل»
۱۱ تعریف خبر	۲۷ مقدمات حکمت	۴۳ نعت تخصیصی
۱۲ عطف به لا، بل، لکن	۲۸ حصر بانی و اثبات حکم	۴۴ باب اختصاص
۱۳ نکره آوردن مسند الیه	۲۹ برهان سیر و تقسیم	۴۵ لام اختصاص
۱۴ قرائن حالیه	۳۰ اسلوب تقسیم	۴۶ ماده اختصاص
۱۵ لام استغاثه	۳۱ اسلوب تقابل	۴۷ تاء اختصاص
۱۶ اضافه	۳۲ اسلوب «عَلَى نَفْسِهِ»	۴۸ ماده قصر

بنابر آنچه در جدول آمده؛ راه‌های ایجاد قصر در بلاغت، بسیار متنوع و گسترده است. شناخت این راه‌ها و کاربرد صحیح آن‌ها، به بلاغت کلام و ایجاد تأکید و تخصیص مورد نظر، کمک شایانی می‌کند. بررسی این اسالیب در کتب بلاغی نیازمند تحقیق دیگر است.

همان گونه که گذشت هدف اصلی از قصر، تأکید محتوای کلام است. به باور این قلم (۲۳) گونه تأکید محتوای کلام در دعای (۴۴) و (۴۵) صحیفه سجّادیه به کار رفته است. هر چند برخی از موارد آن جزء اسالیب مشهور قصر بر شمرده نشده‌اند؛ اما به دلیل تأکیدی که دارند به نوعی حصر از آن‌ها برداشت می‌شود و محتوای آن مورد عنایت ویژه امام سجّاد علیه السلام بوده است؛ بر این اساس ابتدا به صورت موردی، تحلیل ادبی این گونه‌ها از نظر خواهد گذشت و در ادامه به تطبیق تمامی موارد در دعا پرداخته خواهد شد.



۳. معادل‌های قصر در زبان فارسی

در نتیجه بررسی‌های گسترده و دقیق علی‌رغم تألیف آثار مختلفی در زمینه نقد ترجمه‌های اسلوب قصر در قرآن، نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه؛ برای تحلیل، ارزیابی و نقد ترجمه این اسلوب هنوز الگوی جامعی ارائه نشده است. این خلأ به دلیل نبود معیاری دقیق در ارزیابی ترجمه این اسلوب پرکاربرد است. به طور معمول پژوهش‌گران یا به این پرداخته‌اند که مترجمین کدام مصادیق از اسلوب‌های قصر را ترجمه نکرده‌اند یا در کدام موارد بیشتر لغزش داشته‌اند یا برای برگردان اسلوب قصر از چه اداتی استفاده کرده‌اند. در این میان پژوهش‌گران کمتر به تفاوت‌های استعمال اسالیب قصر پرداخته‌اند.

اصرار این پژوهش بر برابری هرچه بیشتر متن مبدأ و مقصد در ترجمه اسلوب قصر از آنجا نشأت می‌گیرد که دکتر خزاعی فرج‌بختی را درباره سبک ترجمه مطرح می‌کنند. در این باره می‌فرمایند: «در واقع ترجمه بازآفرینی متن مبدأ است و مترجم باید سبک‌های شاخص متن اصلی را کشف و سعی کند همان را در متن مقصد بازآفرینی کند (خزاعی فر، ۱۴۰۲، ص ۴ و ۷)».

به همین دلیل وقتی موضوعی در نظر متکلم به قدری مهم بوده است که بسیار روی آن تأکید کرده با موضوع دیگری که از تأکید کمتری برخوردار است، نباید به طور یکسان ترجمه گردد و همانندی ترجمه میان این دو بافت متفاوت را نباید بی‌اشکال دانست.

۴. گونه‌شناسی و تحلیل بلاغی اسلوب قصر در دعای (۴۴) و (۴۵)

در مجموع (۵۴۰) اسلوب قصر در (۲۳) گونه مختلف مشهور و غیرمشهور در این دو دعا به کار رفته است که عبارتند از: واژه «قد»، «نعت تخصیصی»، «کما»، واژه «نفس»، واژه «مثل»، «صیغه تعجب»، «نفی و استثنا»، «ماده اختصاص»، «استثناء»، «تکرار»، «اضافه به ضمیر»، «اسناد مرتّین»، «مفعول مطلق نوعی»، «باب اشتغال»، «تعلیل»، «تقدیم ماحقه التأخیر»، «تعریف الجزئین»، واژگان «إِنَّ» و «أَنَّ»، «شرط و جزا»، «ضمیر فصل»، «باب تفعیل»، «جمله اسمیه» و «لام اختصاص» که در ادامه به تفصیل به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۴-۱. جایگاه اسلوب قصر در دعاهای (۴۴) و (۴۵)

دعا و مناجات همانند شعر و خطابه سرشار از لطایف و ظرایف زبانی است. تفاوتشان در این است که

در خطابه، روی صحبت خطیب، مردم هستند و احتمال دارد که مستحقّ عتاب، تحقیر، وعظ یا سرزنش باشند؛ اما در دعا مخاطب، خداوند مهربانی است که بنده همیشه مشمول رحمت اوست و در درگاه او جز تضرّع شایسته نیست. همان گونه که خطیب باید شناخت کاملی از مخاطب داشته باشد تا بتواند مقتضای حال او را رعایت کند، بهترین مناجات کننده کسی نیست جز انسانی که بیشترین شناخت و معرفت را از خداوند داشته باشد؛ بنابراین پیغمبر اسلام ﷺ و اهل بیتش علیهم السلام برترین مناجات کنندگان هستند (عشایری مفرد، ۱۳۹۲، ص ۳۲ تا ۳۳). از طرفی متن صحیفه سجّادیه در عین روانی و سلاست، سرشار از آرایه های ادبی است. درحالی که دعا به طور کامل از درون جوشش می کند و به طور معمول دور از هر تکلفی است و جمع میان این دو نکته بسیاری از اهل ادب را مُعترف به ناتوانی کرده است (همان، ص ۶۷).

کاربرد اسلوب قصر در صحیفه سجّادیه، از دیرباز مورد توجّه و مذاقّه صاحب نظران و محققان حوزه علوم بلاغی و معارف دینی قرار داشته است. قصر، با ایجاد محدودیت و تخصیص در کلام، به انتقال پیام با دقت و تأثیرگذاری بیشتر کمک می کند. در این پژوهش، ضمن بررسی چرایی کاربرد اسلوب قصر در ادعیه امام سجّاد علیهم السلام، به تحلیل اهداف و اغراض بلاغی و تربیتی این کاربرد پرداخته شده است.

۴-۲. چرایی استفاده از اسلوب قصر در دعا

به طور کلی تشویق، ترغیب، مبالغه، تحقیر، طنز و مسخره (شمیسا، ۱۳۷۴، ص ۱۷۲)، تحذیر و تنبیه، تأکید (صالحی، ۱۳۹۵، ص ۱۲)، تقلیل، اثبات ادعا، برجسته سازی (کاکهرش و آریان، ۱۳۹۹، ص ۱۲۸؛ ۱۳۹۷، ص ۱۳۴)، دلالت بر کمال و بیان مصادیق مخفی را از اغراض قصر بر شمرده اند (عالم زاده نوری، ۱۳۹۷، ص ۸۸).

با توجه به اینکه در دو دعای مورد بررسی قصر حقیقی به کار رفته است؛ برخی از اغراض مذکور در دو دعای (۴۴) و (۴۵) قابل تطبیق نیست؛ بنابراین توجه به این نکته ضروری است که به طور معمول در مقام دعا و درخواست، سائل خواسته خود را با تأکید بیان می کند. به عنوان نمونه در آیه «قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» (مریم/۴) انواع ادات تأکید مشاهده می شود.

علاوه بر اینکه از تقسیم بندی اسلوب قصر بر اساس مخاطب پیداست؛ کاربرد اسلوب قصر، از منظر مخاطب، مستلزم وجود یکی از حالات ذیل است: فقدان پیش فرض ذهنی (خالی الذهن)، تردید و ابهام، انکار و جحود، یا تنزّل مخاطب به منزله یکی از این حالات. در مقابل، مخاطب ادعیه، ذات اقدس الهی



است که به وصف علم مطلق متّصف بوده و از هرگونه جهل و نادانی مبرا است. چنان که در قرآن کریم نیز بارها به این امر اشاره شده است؛ از جمله در آیه: «وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ» (انعام/۳).

باتوجه به این مقدمه، این پرسش مطرح می‌گردد که علت کاربرد اسلوب قصر توسط امام سجّاد (علیه السلام) در ادعیه چیست؟

در مقام پاسخ می‌توان اذعان نمود که امام (علیه السلام) از این شیوه بلاغی به منظور تأکید مضاعف و اقرار راسخ‌تر به اعتقادات دینی بهره می‌گیرند. از آنجاکه امام سجّاد (علیه السلام) به مراتب فصاحت و بلاغت کلام واقف بوده و برترین شیوه‌های تأکید را به خوبی می‌شناسند، از مؤثرترین روش تأکید در جهت تثبیت و تأکید بر باورهای اصیل اسلامی در ساختار دعا استفاده می‌کنند. همچنین، باتوجه به اینکه دعا، حال اقرار و اعتراف به یگانگی خداوند است، این موضوع با اسلوب قصر به بهترین شکل بیان می‌شود (محمودی، ۱۳۹۵، ص ۴۰).

۴-۳. تحلیل اسلوب قصر در دعای (۴۴)

قبل از تحلیل اسالیب قصر به کار رفته در دعای (۴۴) توجه به این نکته ضروری است که بنا بر بررسی نگارندگان اگر اسلوب قصر به صورت مفرد به کار رفته باشد دلالت بر صرف تأکید دارد و اگر اسلوب قصر مرکب باشد در صورتی که شدت تأکید کمتر باشد دلالت بر تأکید مضاعف نسبت به اسلوب قصر مفرد دارد و اگر تأکید آن از شدت زیادی برخوردار باشد دلالت بر تأکید مضاعف همراه با مبالغه دارد.

اسلوب قصر در دعای (۴۴) به دو بخش کلی اقرار و اعتراف و درخواست تقسیم می‌شود. در ادامه به توضیح بیشتر این دو بخش پرداخته خواهد شد.

بخش اول، (اقرار و اعتراف): از فراز یک تا پنج دعا، حضرت سجّاد (علیه السلام) ضمن اقرار و اعتراف به نعمت‌های عمومی خداوند و اقرار به نعمت خاص در ماه رمضان؛ به نعمت اخّص؛ یعنی شب قدر نیز توجه می‌کند و در مقام شکرگزاری و تمجید از خداوند متعال برمی‌آید.

بخش دوم، (درخواست): در این بخش بیشتر درخواست‌هایی مطرح شده که جنبه تعلیمی تربیتی دارد و هدف کلی از این درخواست‌ها، رشد و تعالی بندگان است؛ درخواست‌های حضرت به دودسته تقسیم می‌شود:



۱. از فراز (۶) تا (۱۷) درخواست‌هایی که مختص ماه رمضان است که به تفصیل توسط حضرت مطرح می‌گردد.

۲. فراز (۱۸) و (۱۹) درخواست‌هایی که جنبه عمومی دارد و مربوط به تمام ماه‌ها و زمان‌ها است.

انواع گونه‌ها و میزان تکرار آن‌ها					
* نوع گونه	تکرار	*	نوع گونه	تکرار	
۱ اضافه به ضمیر	۹۳	۱۱	باب اشتغال	۳	تکرار
۲ باب تفعیل	۲۳	۱۲	مفعول مطلق نوعی	۳	
۳ تعلیل	۱۲	۱۳	لام اختصاص	۳	
۴ تکرار	۷	۱۴	شرط و جزا	۳	
۵ نفی واستثنا	۷	۱۵	إِنَّ	۳	
۶ اسناد به مرتین	۵	۱۶	قسم	۲	
۷ تقدیم	۵	۱۷	ماده اختصاص	۲	
۸ بدل	۵	۱۸	مصدر مره+	۱	
۹ نعت تخصیصی	۵	۱۹	جمله اسمیه	۱	
۱۰ تعریف الجزین	۴	۲۰	استثنا	۱	

موضوع اصلی این دعا، آموزش بندگی و ادب درخواست از خداست؛ به عنوان نمونه امام سجاد علیه السلام قبل از هر درخواستی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش علیهم السلام صلوات می‌فرستند.

ابتدای دعا گویا لحن و آهنگی برخاسته از شوق و رغبتی است که به خاطر ورود به ماه مبارک رمضان در امام سجاد علیه السلام ایجاد شده است. از این رو دعا با جملات ایجابی شروع می‌شود مانند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ... وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ... وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ...».

استفاده از اسلوب‌های متعدد و متنوع قصر در هر دو بخش دعا که جنبه تأکید مضاعف به همراه مبالغه دارند. در مجموع بیش از (۱۸۸) اسلوب قصر در قالب (۲۳) گونه در این دعا به کار رفته است.

در بخش دوم اسالیب «شرط و جزا»، «إِنَّ»، «تقدیم قید» و «قسم» استفاده شده که تنوع بیشتری

نسبت به بخش اول دارد.

در این جستار ابتدا به اسلوب‌هایی پرداخته خواهد شد که در برخی موارد دلالت بر تأکید صرف دارند و در برخی دیگر از ساختارها، تأکید مضاعف به همراه مبالغه را نیز می‌رسانند:

۱. اسلوب «اضافه» اگر در ضمن اسلوب دیگری قرار گرفته باشد مفید تأکید مضاعف به همراه مبالغه است، مانند: «وَ اخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ» «لِنَسْلُكَهَا بِمِلَّتِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ» و اگر به تنهایی به کار رفته باشد فقط تأکید را می‌رساند، مانند: «دَائِمُ الْبِرِّكَ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ».

۲. اسلوب «تعلیل» در این دعا (۲۶) مرتبه، در چهار گونه مختلف «لام تعلیل»، «باء سببیت»، «مفعول له» و «حَتَّى ناصبه» به کار رفته است؛ مواردی که در قالب «مفعول له» استعمال شده فقط دلالت بر تأکید صرف دارند، مانند: «فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا». مواردی که در قالب «باء سببیت» استعمال شده نیز اگر به تنهایی به کار رفته باشد فقط مفید تأکید است، مانند: «يُرْضَى بِهِ عَنَّا» و در صورتی که در ضمن اسلوب دیگری به کار رفته باشد، مانند: «لِنَسْلُكَهَا بِمِلَّتِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ» مفید تأکید مضاعف به همراه مبالغه است؛ اما مواردی که در قالب «لام تعلیل» یا «حَتَّى ناصبه» استعمال شده؛ به دلیل اینکه در تمام موارد با اسلوب دیگری همراه شده است دلالت بر تأکید مضاعف به همراه مبالغه می‌کند، مانند: «حَتَّى لَا تَعِيَ بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَخْلَلَتْ» و «لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ».

۳. اسلوب «لام اختصاص» در صورتی که در ضمن «تعریف الجزئین» آمده باشد بر تأکید مضاعف به همراه مبالغه دلالت می‌کند، مانند: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَّأَنَا بِدِينِهِ» و در سایر موارد صرف تأکید است، مانند: «أَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالِغَةِ فِي طَاعَتِكَ».

۴. اسلوب «شرط و جزا» چهار مرتبه استعمال شده است که فقط تأکید را می‌رساند، مانند: «وَإِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدَلْنَا، وَإِنْ رُغْنَا فِيهِ فَقَوَّيْنَا».

۵. «نعت تخصیصی» در غالب مواردی که به کار رفته، صرف تأکید است، مانند: «مَنْ مَلَكَ قَرْنَتَهُ» جز در یک مورد که به دلیل همراهی اش با ماده «اختصاص» تأکید مضاعف به همراه مبالغه است: «أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ».

۶. «مفعول مطلق نوعی» دو مرتبه در این دعا استعمال شده است که در یک صورت تأکید مضاعف به همراه مبالغه است: «وَلِيَجْزِينَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ» و در صورت دیگر فقط دلالت بر تأکید دارد: «حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مَنَّا».

۷. «بدل» شش مرتبه در این دعا استعمال شده است که گاهی صرف تأکید است، مانند: «وَالْإِنْخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و گاهی مفید تأکید مضاعف به همراه مبالغه است، مانند: «بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ».

۸. «إِنْ» و «أَنْ» در مجموع سه مرتبه به کار رفته اند که در دو صورت مفید تأکید مضاعف به همراه مبالغه هستند، مانند: «أَتَتْهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ» و «فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُؤَالِيهِ، وَالْحِزْبُ الَّذِي لَا نُصَافِيهِ» و در یک صورت صرف تأکید رامی رساند: «إِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تُرِيدُ».

۹. اسلوب «تقديم قيد» سه مرتبه در این دعا استعمال شده است که گاهی دلالت بر صرف تأکید دارد، مانند: «وَأَسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاحِ أَيَّامِهِ» و گاهی تأکید مضاعف به همراه مبالغه است، مانند: «أَتَتْهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ».

در ادامه مواردی بیان خواهد شد که دلالت بر تأکید مضاعف همراه با مبالغه دارند:

۱. اسلوب «تکرار» در بخش اقرار به کار رفته؛ درحالی که در بخش درخواست از این اسلوب استفاده نشده است. این اسلوب از آنجایی که با اسلوب مصدر مَرّه مؤکد به «واحدة» همراه گردیده است تأکید مضاعف به همراه مبالغه است، مانند: «ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي أَلْفِ شَهْرٍ، وَسَمَّاها لَيْلَةَ الْقَدْرِ».

۲. اسلوب «نفي واستثنا» هشت مرتبه در بخش درخواست، استعمال شده؛ درحالی که در بخش اقرار، از این اسلوب استفاده نشده است. همچنین این اسلوب در تمام موارد دلالت بر تأکید مضاعف به همراه مبالغه دارد؛ زیرا همان طور که تحلیل اسالیب قصر گذشت این اسلوب از تأکید بیشتری برخوردار است و در دعا کاربست آن همواره با اسلوب دیگری همراه بوده است، مانند: «حَتَّى لَا تَعِيَ بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَخْلَلَتْ، وَلَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَلَّتْ».

۳. اسلوب «اسناد مرتب یا تقدم فاعل معنوی» پنج مرتبه در بخش درخواست، به کار رفته؛ درحالی که در بخش اقرار، از این اسلوب استفاده نشده است. این اسلوب به تنهایی مفید تقویت حکم و تخصیص آن



است؛ زیرا دو بار اسناد صورت می‌گیرد، یک مرتبه اسناد خبر به مبتدا و مرتبه دیگر، اسناد ضمیر به مبتدا، از این رو این اسلوب نیز، مفید تأکید مضاعف به همراه مبالغه است مانند: «وَأَنْ تُرَاجَعَ مَنْ هَاجَرْنَا، وَأَنْ تُنْصَفَ مَنْ ظَلَمْنَا».

۴. اسلوب «تعریف الحزین» سه مرتبه در بخش اقرار به کار رفته؛ در حالی که علی‌رغم گستردگی بخش درخواست، فقط یک مرتبه از این اسلوب استفاده شده است. همچنین این اسلوب، در تمام موارد به صورت مرکب متداخل همراه گردیده است که دلالت بر تأکید مضاعف به همراه مبالغه دارد، مانند: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ» و «فَاتَّهَ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا تُؤَالِيهِ».

۵. «ماده اختصاص» دو مرتبه به کار رفته که در هر دو صورت مفید تأکید مضاعف به همراه مبالغه است؛ زیرا یک مرتبه با اضافه به ضمیر «الله» همراه گردیده است «وَاخْتَصَّنا بِمِلَّتِهِ» و مرتبه دیگر به همراه نعت تخصیصی آمده است: «أَوْ عِبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَّصْتُهُ» در این فراز خود ماده «اختصاص» در قالب نعت تخصیصی آمده است.

۶. اسلوب «قسم» دو مرتبه به کار رفته که هر دو مرتبه در سیاق جملات قصری قرار گرفته است؛ از این رو مفید تأکید مضاعف به همراه مبالغه است، مانند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ».

۷. اسلوب «اشتغال» یک مرتبه در این دعا به کار رفته که به دلیل همراهی اش با اسلوب دیگر مفید تأکید مضاعف به همراه مبالغه است: «أَوْ عِبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَّصْتُهُ».

۸. «باب تفعیل» به صورت صیغه فعل، حدود (۳۲) مرتبه در این دعا به کار رفته است که بیش از (۵۰٪) آن دلالت بر تأکید مضاعف دارد و به دلیل همراهی آن‌ها با اسلوب دیگر مفید تأکید مضاعف به همراه مبالغه است، مانند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَإِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدَلْنَا وَإِنْ زُغْنَا فِيهِ فَقَوَّمْنَا وَإِنْ اشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَقِفْ ذَنبَنَا مِنْهُ».

۴-۴. تحلیل اسلوب قصر در دعا (۴۵)

دعای (۴۵) صحیفه از پنج بخش تشکیل شده است. در ادامه به توضیح بیشترین بخش‌ها پرداخته خواهد شد.

بخش اول: از فراز (۱) تا (۱۹) اقرار به تفضلات و نعمت های عمومی خداوند؛

بخش دوم: فرازهای (۲۰)، (۲۱) و (۲۲) اقرار به نعمت ماه مبارک رمضان و برکات این ماه برای بندگان؛

بخش سوم: فرازهای (۲۳) تا (۴۲) وداع با ماه مبارک رمضان؛

بخش چهارم: فرازهای (۴۳) و (۴۴) بازگشت اقرار آمیز خطاب به سمت خداوند به قصد استرحام؛

بخش پنجم: فرازهای (۴۵) تا (۵۶) درخواست از خداوند؛

در این دعا (۳۴۰) اسلوب قصر، در (۲۳) گونه مختلف استعمال شده که در برخی فرازها دلالت بر تأکید صرف دارند و در برخی دیگر از آن ها تأکید مضاعف را نیز می رسانند:

۱. ماده اختصاص فقط دلالت بر صرف تأکید دارد مانند: «وَ خَصَّائِصٍ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ»؛

۲. اضافه که بیشترین کاربست را در این دعا دارد؛ در غالب مواردی به خاطر همراهی اش با اسلوب دیگر دلالت بر تأکید مضاعف دارد، مانند: «فَذَكِّرْكَ بِمَنِّكَ وَ شَكَرْكَ بِفَضْلِكَ وَ دَعُوكَ بِأَمْرِكَ» اما گاهی نیز مفید صرف تأکید است، مانند: «وَ تَسَبَّبْنَا إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِكَ».

۳. اسناد مرتب (تقدیم فاعل معنوی) در (۱۱) مورد، دلالت بر صرف تأکید دارد، مانند: «اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يُرْغَبُ فِي الْجَزَاءِ» و در (۱۵) مورد، مفید تأکید مضاعف مانند: «وَيَا مَنْ لَا يَكْفِي عَبْدُهُ عَلَى السَّوَاءِ».

اسلوب تعلیل در قالب های متفاوتی استعمال شده است:

۴. باء سببیت، (۱۱) مورد که به خاطر همراهی اش با اسلوب دیگر در غالب موارد مفید تأکید مضاعف شده، مانند: «إِنْ أُغْطِيَ لَمْ تَشِبْ عِظَاءَكَ بِمَنْ».

۵. لام تعلیل، (۴) مورد که گاهی مفید صرف تأکید است، مانند: «لِكَيْ لَا يَمْلِكَ عَلَيْكَ هَالِكُهُمْ» و گاهی دلالت بر تأکید مضاعف می کند، مانند: «وَلَا يَشْقَى بِنِعْمَتِكَ شَقِيهٌ إِلَّا عَنْ طَوْلِ الْإِعْدَارِ إِلَيْهِ» این جمله در ادامه «لِكَيْ لَا يَمْلِكَ عَلَيْكَ هَالِكُهُمْ» آمده است؛ بنابراین در مقام بیان تعلیل دیگری است و از آنجایی که با اسلوب «نفي واستثنا» همراه شده است مبالغه بیشتری دارد.

۶. مفعول له (۴) مورد و حتی، (۱) مورد که صرف تأکید را می‌رسانند، مانند: «وَسَوْقَ ثَوَابِ الْمُؤْعُودِ حَتَّىٰ تَجِدَ لَدَهُ مَا نَدَعُوكَ بِهِ» و «كِرْمًا مِنْ عَفْوِكَ يَا كَرِيمُ وَعَائِدَةً مِنْ عَظْفِكَ يَا حَلِيمُ».

۷. اسلوب شرط و جزا در برخی موارد مفید تأکید مضاعف است، مانند: «إِنْ أُغْطِيتَ لَمْ تَنْسُبْ عَطَاءَكَ بِمَنْ وَإِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنَعُكَ تَعَدِيًّا» و در برخی موارد بر صرف تأکید دلالت دارد، مانند: «تَسْتَرِ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ وَتَجُودُ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ».

۸. تقدیم غیر فاعل که گاهی به همراه اسلوب دیگری استعمال شده است؛ بنابراین مفید تأکید مضاعف است، مانند: «فَلَكَ الْحَمْدُ مَا وَجَدَ فِي حَمْدِكَ مَذْهَبٌ» و گاهی نیز فقط صرف تأکید را می‌رساند، مانند: «وَتَرْغِيبِكَ الَّذِي فِيهِ حُطُّهُمْ عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ».

۹. تعریف «الحزین» در غالب موارد دلالت بر صرف تأکید دارد؛ زیرا مبتدا معرفه به «ال» جنس و خبر شبه جمله است، مانند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرِ سَلَامٌ». در برخی موارد به دلیل اینکه خبر، مقدم گردیده و مبتدا هم معرفه به «ال» جنس است، دلالت بر تأکید مضاعف دارد، مانند: «اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ إِفْرَارًا بِالْإِسَاءَةِ».

۱۰. نعت تخصیصی در غالب موارد مفید تأکید مضاعف به همراه مبالغه است، مانند: «أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ أَوْجَبَتْ رِضَاكَ لَهُ».

۱۱. «إِنْ» گاهی با اسناد مرتین همراه شده است، مانند: «أَتَاكَ بَنِيَّتُ أَفْعَالِكَ عَلَى التَّفَضُّلِ» و گاهی با اضافه استعمال شده است، مانند: «اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَفْتَنَا بِهِ»؛ از این رو مفید تأکید مضاعف است.

۱۲. اسلوب تکرار مفید تأکید مضاعف است، مانند: «تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ وَأَنْتَ أَهْمَتُهُ شُكْرُكَ».

۱۳. مفعول مطلق نوعی در غالب موارد تأکید مضاعف را می‌رساند، مانند: «وَقَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرَ مَقَامَ حَمْدٍ وَصَحْبِنَا صُحْبَةً مَبْرُورٍ».

۱۴. اسلوب نفی و استثنا دلالت بر تأکید مضاعف دارد، مانند: «وَلَا يَشْقَىٰ بِنِعْمَتِكَ شَقِيهٌ إِلَّا عَنْ طَوْلِ

الإِعْدَارِ إِلَيْهِ».

۱۵. بدل در تمام موارد مفید تأکید مضاعف است، مانند: «اللَّهُمَّ وَمَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ».

۱۶. ضمیر فصل مفید تأکید مضاعف است، مانند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ».

۱۷. واژه «قَدْ» به دلیل همراهی اش با اسلوب دیگر تأکید مضاعف را می‌رساند، مانند: «وَقَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ».

۱۸. واژه «مِثْلُ» در تمام موارد به دلیل همراهی اش با اسلوب دیگر مفید تأکید مضاعف شده، مانند: «وَلَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقاً مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِي دَلَّلَتْ عَلَيْهِ عِبَادُكَ مِنْكَ كَانَ مَوْصُوفاً بِالْإِحْسَانِ».

۱۹. صیغه تعجب به دلیل همراهی اش با اسلوب دیگر دلالت بر تأکید مضاعف می‌کند، مانند: «مَا أَفْشَى فِينَا نِعْمَتَكَ، وَأَسْبَغَ عَلَيْنَا مَنَّتَكَ، وَأَخْصَنَّا بِرِّكَ!».

چهار گونه هم در برخی موارد دلالت بر تأکید مضاعف و در برخی دیگر از فرازها تأکید مضاعف همراه با مبالغه را می‌رسانند:

۱. واژه «نَفْسِ» در تمام موارد علاوه بر اضافه شدنش به ضمیر، در سیاق اسلوب دیگر، نیز قرار گرفته است؛ از این رو دلالت بر تأکید مضاعف به همراه مبالغه دارد، مانند: «وَتَلَقَّيْتُ مِنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ وَأَمْهَلْتُ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ».

۲. باب تفعیل در (۱۴) مورد دلالت بر تأکید مضاعف دارد و در برخی موارد، به دلیل همراهی اش با سایر اسلوب قصر تأکید مضاعف به همراه مبالغه را می‌رساند، مانند: «وَوُكَّافِي مِنْ حَمْدِكَ وَأَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَكَ» و «اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَفْتَنَا بِهِ وَوَفَّقْتَنَا بِمَنَّتِكَ لَهُ حِينَ جَهَلِ الْأَشْقِيَاءُ وَقْتَهُ».

۳. واژه «کَمَا» در تمام موارد به دلیل همراهی اش با اسلوب دیگر دلالت بر تأکید مضاعف دارد و در برخی موارد مفید تأکید مضاعف به همراه مبالغه است، مانند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ».



۴. باب اشتغال به دلیل همراهی اش با اسلوب دیگر قصر مفید تأکید مضاعف به همراه مبالغه است، مانند: «مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ أَوْ سُوءٍ أَسْلَفْنَاهُ أَوْ خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ».

۵. ارزیابی عملکرد مترجمان در برگردان اسلوب قصر در هر دو دعا

در ادامه عمل کرد حسین استادولی و سیدعلی موسوی گرمارودی در ترجمه دو دعای ورود به ماه رمضان و وداع با آن مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت:

۵-۱. ارزیابی عملکرد موفق مترجمان در هر دو دعا

استادولی و موسوی گرمارودی در برگردان گونه‌هایی مانند «ماده اختصاص»، «اضافه به ضمیر»، «نفی + استثنا»، «اسناد مرتین»، «نعت تخصیصی»، «نفس»، «کما» و «صیغه تعجب» عملکرد موفق داشته‌اند که از باب نمونه به موارد زیر اشاره می‌گردد:

۱. «ماده اختصاص» و «اضافه به ضمیر»: در فراز دوم از دعای (۴۴): «وَ اخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ»، باتوجه به اینکه دو گونه از اسالیب قصر در این دعا به کار رفته است باید در ترجمه نیز با دو واژه متفاوت این معنا نشان داده شود. استادولی از واژگان «ویژه داشت» برای «اخْتَصَّنَا» و از واژه «خویش» برای «بِمِلَّتِهِ» استفاده کرده است. موسوی گرمارودی نیز از واژگان «ویژگی بخشید» برای «اخْتَصَّنَا» و «خویش» برای «بِمِلَّتِهِ» استفاده کرده است. ترجمه استادولی: «و ما را به آیین خویش ویژه داشت». ترجمه موسوی گرمارودی: «و ما را به آیین خویش ویژگی بخشید».

۲. اسلوب «نفی و استثنا»: فراز هفتم از دعای (۴۴): «وَ حَتَّى لَا تَعْبَى بَطُونُنَا إِلَّا مَا أَخْلَلَتْ، وَلَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَلَتْ...»، در این فراز دو بار این اسلوب تکرار شده است که مترجمان به درستی از عبارت «جز + نفی» به عنوان ترجمه استفاده نموده‌اند؛ ترجمه استادولی: «و تا شکم‌های ما جز آنچه حلال شمرده‌ای در خود جای ندهد و زبان‌های ما جز به آنچه تو حکایت کرده‌ای گویا نشود». ترجمه موسوی گرمارودی: «و تا شکم ما جز آنچه حلال کرده‌ای در خود جای ندهد و زبانمان جز آنچه گفته‌ای نگوید».

۳. اسلوب «اسناد مرتین» و «باب اشتغال»: فراز هشتم از دعای (۴۵): «غَيْرَ أَنَّكَ بَنَيْتَ أَفْعَالَكَ عَلَى التَّفْضُلِ»، ترجمه این مورد از اسناد مرتین به دلیل ذکر ضمیر به عنوان مبتدا و تکرار آن در خبر به عنوان فاعل، نیاز به دقت دارد تا به صورت ساده ترجمه نگردد و این تأکید بازتاب داده شود. هر دو مترجم از «تو...»

بنانهاده‌ای» استفاده کرده‌اند. ترجمه استادولی: «جز آن که تو اساس کارهایت را بر تفضّل نهاده‌ای». ترجمه موسوی گرمارودی: «اماتو کارهایت را بر تفضّل و قدرت خود را بر گذشت، بنانهاده‌ای». اسلوب ترجمه در باب اشتغال نیز همین گونه است. به عنوان نمونه در فراز دوازدهم از دعای (۴۴): «مِنْ مَلَكٍ قَرَّبْتُهُ، أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتُهُ»، واژه «فرشته» در برگردان واژه «مَلَكٍ» و «پیامبر» در برگردان «نَبِيٍّ» و ضمیر «او» در برگردان ضمیر مفرد مذکر در دو فعل «قَرَّبْتُهُ» و «أَرْسَلْتُهُ» انتخاب درستی از طرف مترجمان بوده است. ترجمه استادولی: «از فرشته‌ای که او را مقرب گردانیده‌ای، یا پیامبری که او را برانگیخته‌ای». ترجمه موسوی گرمارودی: «از فرشته‌ای که او را مقرب ساخته‌ای یا پیامبری که فرستاده‌ای». موسوی گرمارودی در تعبیر دوم ضمیر، «أَرْسَلْتُهُ» را ترجمه نکرده است.

۴. اسلوب «نعت تخصیصی» و «ماده اختصاص»: فراز دوازدهم از دعای (۴۴): «أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَصْتُهُ» در نعت تخصیصی صرف ترجمه صفت دایره عمومیت را محدود می‌کند و ماده اختصاص نیز باید با معادل‌هایی همچون «ویژه» و «مختصّ» ترجمه گردد. استادولی از «بنده صالحی که... اختصاص داده‌ای» و موسوی گرمارودی از «بنده شایسته‌ای که... ویژگی داده‌ای» استفاده کرده است. ترجمه استادولی: «یا بنده صالحی که او را به خود اختصاص داده‌ای». در ترجمه موسوی گرمارودی: «یا بنده شایسته‌ای که بدو (نزد خود) ویژگی داده‌ای».

۵. «صیغه تعجب»: فراز هجدهم از دعای (۴۵): «مَا أَفْشَىٰ فِينَا نِعْمَتَكَ، وَأَسْبَغَ عَلَيْنَا مِثْلَكَ، وَأَخَصَّنَا بِبِرِّكَ»، در این فراز سه مرتبه از این اسلوب استفاده شده است. در برگردان صیغه تعجب باید معادل‌هایی انتخاب شود که معنای تعجبی را به خوبی نمایان سازد، مانند: «چه»، «عجب»، «شگفتا»، «چه بسیار» و «چه فراوان». استادولی از واژگان «چه، چه فراوان، چه مخصوص» بهره برده است. موسوی گرمارودی نیز از «چه بسیار، چقدر، چه اندازه» استفاده کرده است. ترجمه استادولی: «چه آشکار و پخش است نعمت‌های تو در میان ما، و چه فراوان است بخشش‌های تو بر ما و چه مخصوص گردیده است نیکی‌های تو در حق ما». ترجمه موسوی گرمارودی: «چه بسیار نعمت در میان ما (گسترده و) هویدا است و چقدر احسانت بر ما، سرشار است و چه اندازه نیکی‌ات ویژه ماست!».

۵-۲. ارزیابی عملکرد ناموفق مترجمان در هر دو دعا

مترجمان در برگردان اسلوب‌هایی مانند «تعریف جزئین»، «لام اختصاص»، «تقدیم»، «إِنَّ»، «أَنَّ»، «جمله اسمیه»، «باب تفعیل»، «قسم»، «ضمیر فصل»، «شرط و جزا» و «مصدر مَرَّةً مؤکد به (واحدة)»



عملکرد موفق نداشته‌اند و در ترجمه انعکاس ندادند.

۱. اسلوب «تعریف جزئین»، «لام اختصاص» و «تقدیم»: در فرازهای آغازین دعای (۴۴): «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و همچنین فراز هفدهم از دعای (۴۵): «فَلَكَ الْحَمْدُ» امام علیه السلام به حمد و ستایش الهی پرداخته است. به نظر نگارندگان بهتر است در برگردان اسلوب تعریف جزئین از عباراتی مانند: «همان»، «همانا»، «فقط» و «تنها» استفاده کرد. در ترجمه لام اختصاص نیز از تعابیر همچون «از آن»، «ویژه» و «را» بهره برد و در ترجمه اسلوب تقدیم نیز واژگانی همچون «نخست»، «قطعاً»، «به درستی» کاربرد دارند. استادولی عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ» را چنین ترجمه کرده: «سپاس و ستایش خدای را» و برای تعبیر «فَلَكَ الْحَمْدُ» این ترجمه را برگزیده: «پس سپاس و ستایش تو را» و موسوی گرمارودی نیز به ترتیب از تعابیر، «سپاس خداوند را» و «پس سپاس تو را» استفاده است. هر دو مترجم فقط از یک واژه «را» برای برگردان اسلوب قصر استفاده کرده‌اند درحالی که در این فرازها بیش از یک اسلوب قصر استعمال شده است و همه این اسالیب ترجمه نشده‌اند.

در تعبیر «الْحَمْدُ لِلَّهِ» دو اسلوب تعریف جزئین و لام اختصاص به کار رفته است. به نظر نگارندگان، ترجمه آن چنین است: «به درستی که تمام ستایش‌ها ویژه خداوند است».

در تعبیر «فَلَكَ الْحَمْدُ» سه اسلوب تعریف جزئین و لام اختصاص و تقدیم ما حقه التأخیر استعمال شده است. ترجمه پیشنهادی عبارتند از: «پس همانا تمام ستایش‌ها نخست از آن توست».

۲. «باب اشتغال» و «اسناد مرتین»: هر دو مترجم در برگردان اسلوب «باب اشتغال» و «اسناد مرتین» در دعای (۴۴)، موفق بوده‌اند که در بخش پیشین بررسی شد؛ ولی در ترجمه همین اسلوب در دعای (۴۵) دچار لغزش شده و به خوبی بازتاب نداده‌اند. فراز پنجاه و دوم از دعای (۴۵): «اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ... مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ، أَوْ سُوِّ أَسْلَفْنَاهُ، أَوْ خَاطَرِ شَسْرٍ أَضْمَرْنَاهُ... فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا، وَتَيْسِّرْنَا عَلَيْهَا» گونه‌های قصر در این فراز عبارت‌اند از: «إِنَّ»، «اسناد مرتین»، «باب اشتغال»، «جمله اسمیه» و «باب تفعیل» که در ترجمه نمایان نشده است.

در عبارت «إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ» به تنهایی سه اسلوب «جمله اسمیه»، «إِنَّ» و «اسناد مرتین» به کار رفته است که توسط مترجمان در ترجمه اعمال نگردیده است. استادولی به «توبه می‌کنیم» و موسوی گرمارودی به «ما را توبه ده» پسند کرده‌اند. عجیب‌تر این است که موسوی گرمارودی «فاعل معنوی» را، مفعولی و «فعل مضارع» را امری معنا کرده است. می‌توان معادل‌های «همانا»، «بی‌شک»، «به تحقیق»، «به درستی»، «به

یقین»، «قطعاً» و «حتماً» را برای واژه «إِنَّ» برگزید. در برگردان تأکید جمله اسمیه نیز بهتر است از اادات تأکید در زبان فارسی استفاده شود. به عنوان نمونه عباراتی همچون «مسلاً»، «منحصراً»، «فقط»، «تنها»، «به طور ویژه» و «به طور خاص». به باور این قلم فراز پنجاه و دوم از دعای (۴۵) بهتر است این گونه ترجمه گردد: «خدایا! بی شک ما تنها به سوی تو توبه می کنیم».

همچنین اسلوب «باب اشتغال» در «مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ أَوْ سُوءٍ أَشْلَفْنَاهُ أَوْ خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْنَا» که مفعول به تکرار شده و فعل نیز در نیت تکرار است؛ در ترجمه بازتاب پیدا نکرده است. هر دو مترجم به یک ترکیب «فعل + فاعل + مفعول به» بسنده کرده و تأکید را برجسته نساخته اند که بهتر است که این گونه برجسته شود: «خدایا!... از هر گناهی که آن را مرتکب شده ایم و یا از هر کار زشتی که آن را در گذشته انجام داده ایم یا هر اندیشه بدی که آن را از خاطر گذرانده ایم».

در عبارت «وَتَبَيَّنَّا عَلَیْهَا» فعل «تَبَيَّنَ» به باب تفعیل رفته است که در این فراز باتوجه به قرائن، مفید تأکید و مبالغه است؛ یعنی «آن چنان ما را ثابت قدم بدار که هیچ عاملی دوباره ما را به سمت گناه نتواند بُرد»؛ اما هر دو مترجم این فراز را نیز ساده ترجمه کرده اند.

ترجمه استاد ولی: «خدایا... از هر گناهی که کرده ایم، یا هر کار زشتی که در گذشته انجام داده ایم، یا اندیشه بدی که از خاطر گذرانده ایم به درگاهت توبه می کنیم... پس آن را از ما بپذیر و ما را بر آن پایدار بدار».

ترجمه موسوی گرمارودی: «بار خدایا... از هر گناهی که مرتکب شده ایم و هر بدی که بر جای نهاده ایم یا اندیشه ناپسندی که پنهان داشته ایم ما را توبه ده... پس آن را از ما بپذیر و از ما خشنود شو و ما را بر آن پایدار بدار!»

۳. «إِنَّ» و «جمله اسمیه»: به ترتیب در فراز دهم و نوزدهم از دعای (۴۴): «وَأَنْ تُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا خَاشِيَ مَنْ عُدِي فَيْكَ وَلَكَ فَإِنَّهُ الْعُدُوُّ الَّذِي لَا تُؤَالِيهِ» و «أَضْعَافَ ذَلِكَ كُلِّهِ بِالْأَضْعَافِ الَّتِي لَا يَحْصِيهَا غَيْرُكَ إِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تُرِيدُ» از اسلوب حرف مشبّهة بالفعل و جمله اسمیه برای تأکید استفاده شده است. در برگردان این دو اسلوب که با هم استعمال می شوند باید دقت گردد که با عبارات تأکیدی در ترجمه بازتاب داده شود. دو فراز مذکور در مقام تعلیل جمله پیش از خود هستند که هر دو مترجم به خوبی با حرف ربط «که» این ارتباط میان دو جمله را روشن ساخته اند؛ اما واژه «إِنَّ» را ترجمه نکرده اند. به باور این قلم در برگردان جمله اسمیه باید تعابیر همچون «همیشه»، «دائماً»، «پیوسته»، «علی الدوام»، «مستمر» و «همواره» به کار برده شود تا

معنای ثبوت جمله اسمیه نمایان گردد.

ترجمه استادولی: «که آنان دشمنانی هستند که هرگز با آنان دوستی نمی‌کنیم» و «که تو هر چه خواهی به آسانی انجام می‌دهی».

ترجمه موسوی گرمارودی: «که او دشمنی است که با او دوستی نمی‌کنیم» و «که تو آنچه بخواهی می‌توانی کرد».

در هر دو ترجمه واژه «إِنْ» و معنای ثبوت بر خواسته از جمله اسمیه نشان داده نشده است. به نظر نگارندگان برگردان «...که قطعاً آن‌ها همواره دشمنی هستند که با آنان دوستی نمی‌کنیم» برای فراز اول و برگردان «...چرا که همانا تو پیوسته هر آنچه بخواهی انجام می‌دهی» برای فراز دوم به صورت گویایی عبارات تأکیدی جملات عربی را منتقل کرده‌اند.

۴. اسلوب «قسم»: در فراز دوازدهم از دعای (۴۴): «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَهْلِنَا فِيهِ» امام سجّاد علیه السلام قبل از بیان درخواست‌های مهم، قسم یاد می‌کنند. از آن جایی که اسلوب قسم در جایی استفاده می‌شود که جواب آن از اهمیت ویژه برخوردار است نباید به صورت تأکید ساده ترجمه گردد؛ بلکه شدت تأکید نیز باید در ترجمه لحاظ شود. در برگردان فارسی استادولی و موسوی گرمارودی به تعبیر «به حق» اکتفا کرده‌اند.

ترجمه استادولی: «خدایا، به حق این ماه و به حق کسانی که در این ماه از آغاز تا انجام آن تو را بندگی کرده‌اند». ترجمه موسوی گرمارودی: «خدایا به حق این ماه و به حق کسانی که در این ماه از آغاز تا انجام آن تو را بندگی کرده‌اند».

به نظر تعبیر «به حق» شدت در تأکید را نمی‌رساند و بهتر است از عبارت «قسم به حق» در برگردان فارسی آن بهره برده شود.

۵. اسلوب «شرط و جزا»: فراز هشتم از دعای (۴۵): «تَسْتُرُ عَلَيَّ مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ، وَتَجُودُ عَلَيَّ مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ» که از ترکیب شرط با جزا تأکید برداشت می‌شود. در این فراز برای ساخت جمله شرطیه از واژه «لو» امتناعیه استفاده شده است که دلالت بر واقع نشدن جزا به دلیل امتناع وقوع شرط دارد؛ بنابراین در ترجمه نیز این معنا باید بازتاب داده شود.

ترجمه استادولی: «می پوشانی عیب کسی را که اگر می خواستی رسوایش می ساختی و جود و بخشش می کنی به کسی که اگر می خواستی محرومش می داشتی».

ترجمه موسوی گرمارودی: «پرده پوشی از گناهان کسی می کنی که اگر می خواستی رسوایش می کردی و به کسی بخشندگی می ورزی که اگر می خواستی از او بازمی داشتی».

در ترجمه این فراز بهتر است امتناع شرط به طور واضح بازتاب داده شود: «... اگر می خواستی (که نمی خواهی) رسوایش می ساختی... اگر می خواستی (که نمی خواهی) از او محرومش می داشتی».

۶. اسلوب «مصدر مَرَّةً مؤکد به (واحدة)»: در فراز پنجم از دعای (۴۴): «ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَّاها لَيْلَةَ الْقَدْرِ» در این فراز واژه «لَيْلَةً» مصدر مَرَّةً است که علی رغم اینکه دلالت بر یک مرتبه بودن دارد با قید «واحدة» نیز تأکید شده است که در ترجمه نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

ترجمه استادولی: «آن گاه شبی از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد و آن را شب قدر نامید».

ترجمه موسوی گرمارودی: «آن گاه یکی از شب های آن را بر هزار ماه برتری داد و آن را شب قدر نامید».

هر دو مترجم به ترکیب دلالت مصدر مَرَّةً با قید «واحدة» توجه نکرده اند و فقط به تعبیر «شبی» یا «یکی از شب ها» بسنده کرده اند در حالی که بهتر بود این چنین ترجمه شود: «آن گاه فقط یک شب از آن شب ها را...».

۵-۳. گزارش مجموع عملکرد مترجمین در هر دو دعا

عمل کرد استادولی و موسوی گرمارودی در برگردان اسلوب «نفی + استثنا»، «ماده اختصاص»، «نفس»، «صیغه تعجب» و «نعت تخصیصی» صد درصد، در برگردان اسلوب «اضافه به ضمیر»، «تکرار»، «اسناد مَرَّتین» و «مفعول مطلق نوعی» بیش از پنجاه درصد، در برگردان اسلوب «باب اشتغال»، «تعلیل» و «قد» کمتر از چهل درصد و در برگردان سایر اسلوب ها صفر درصد بوده است.

جدول کلی عمل کرد مترجمین در هر دو دعا به شرح زیر است:



درصد موفقیت استادولی و موسوی گرامرودی در بازتاب اسلوب قصر در دعای (۴۴)

* اسلوب	تعداد	استادولی	گرامرودی	*	اسلوب	تعداد	استادولی	گرامرودی
۱ ماده اختصاص	۲	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۳	تعریف الجزئین	۴	٪۰	٪۰
۲ تعلیل به مفعول له	۲	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۴	لام اختصاص	۳	٪۰	٪۰
۳ نعت تخصیصی	۵	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۵	شرط و جزا	۳	٪۰	٪۰
۴ اسناد	۵	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۶	قسم	۲	٪۰	٪۰
۵ تعلیل بآسببیت	۱	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۷	باب تفعیل	۲۳	٪۰	٪۰
۶ نفی و استثنا	۷	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۸	إِنَّ	۳	٪۰	٪۰
۷ استثنا	۱	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۹	جمله اسمیه	۱	٪۰	٪۰
۸ باب اشتغال	۳	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۲۰	تعلیل به حتی	۵	٪۰	٪۰
۹ تکرار	۷	٪۷۵	٪۷۵	۲۱	تقدیم	۵	٪۰	٪۰
۱۰ بدل	۵	٪۴۰	٪۵۰	۲۲	مصدر مرموز کدبه «واحدة»	۱	٪۰	٪۰
۱۱ اضافه به ضمیر	۵	٪۶۰	٪۷۰	۲۳	تعلیل به لام	۴	٪۰	٪۰
۱۲ مفعول مطلق نوعی	۳	٪۳۳	٪۳۳					

درصد موفقیت

درصد موفقیت

* مجموع گونه‌ها + اضافه به ضمیر	تعداد کل: ۱۸۸	استادولی ٪۵۰	گرامرودی ٪۵۵
* مجموع گونه‌ها - اضافه به ضمیر	تعداد کل: ۹۵	استادولی ٪۳۹	گرامرودی ٪۴۰

درصد موفقیت استادولی و موسوی گرامرودی در بازتاب اسلوب قصر در دعای (۴۵)

* اسلوب	تعداد	استادولی	گرامرودی	*	اسلوب	تعداد	استادولی	گرامرودی
۱ نعت	۲۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۳	باب اشتغال	۹	٪۳۳	٪۲۳
۲ کما	۴	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۴	قد	۳	٪۳۳	٪۰
۳ نفس	۴	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۵	تعلیل	۱۱	٪۲۰	٪۲۰
۴ مثل	۳	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۶	تقدیم	۲۷	٪۰	٪۰
۵ صیغه تعجب	۳	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۷	تعریف الجزئین	۲۲	٪۰	٪۰
۶ نفی و استثنا	۱	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۸	إِنَّ وَأَنَّ	۹	٪۰	٪۰
۷ ماده اختصاص	۱	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۹	شرط و جزا	۵	٪۰	٪۰
۸ استثنا	۱	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۲۰	ضمیر فصل	۲	٪۰	٪۰
۹ تکرار	۱۳	٪۷۵	٪۷۵	۲۱	باب تفعیل	۹	٪۰	٪۰
۱۰ اضافه به ضمیر	۱۵۶	٪۶۰	٪۶۵	۲۲	جمله اسمیه	۷	٪۰	٪۰
۱۱ اسناد مرتین	۳۵	٪۵۰	٪۵۰	۲۳	لام اختصاص	۲	٪۰	٪۰
۱۲ مفعول مطلق نوعی	۷	٪۵۰	٪۵۰					

درصد موفقیت

درصد موفقیت

* مجموع گونه‌ها + اضافه به ضمیر	تعداد کل: ۳۵۱	استادولی ٪۵۸	گرامرودی ٪۶۱
* مجموع گونه‌ها - اضافه به ضمیر	تعداد کل: ۱۹۵	استادولی ٪۳۵	گرامرودی ٪۳۵

مهم‌ترین یافته‌های پژوهش پیش‌رو عبارت‌اند از:

۱. واژه «قصر» در قرآن و زبان عربی، دارای طیف وسیعی از معانی است که از جمله آن‌ها می‌توان به «کَفِ نفس»، «حبس»، «کوتاهی»، «خانه» و «ریشه درخت ضخیم» اشاره کرد.

۲. آنچه از تعابیر موجود و همچنین معنای لغوی قصر برداشت می‌شود، وجود نوعی اختصار، اختصاص و انحصار در مفهوم قصر است. این روش در بلاغت برای تأکید هر چه بیشتر محتوای کلام و ایجاد اهتمام ویژه به آن به‌کار می‌رود.

۳. راه‌های ایجاد قصر در بلاغت (اعم از مشهور و غیرمشهور)، بسیار متنوع و گسترده است. شناخت این راه‌ها و کاربرد صحیح آن‌ها، به بلیغ‌تر شدن کلام و ایجاد تأکید و تخصیص مورد نظر، کمک شایانی می‌کند.

۴. از آن جایی که هدف از اسلوب قصر تأکید محتوای کلام است و گاه این تأکید با دیگر ابزارهای تأکید همراه می‌شود؛ می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت اسالیب قصر در رساندن معنای تأکید شدت و ضعف دارند. در نتیجه جملاتی که از تأکید بیشتر برخوردارند یعنی اهمیت ویژه‌ای در نظر متکلم داشته‌اند. پس باید در ترجمه به زبان فارسی نیز این میزان از اهمیت برای مخاطب زبان مقصد هم نمایان شود.

۵. تحلیل بلاغی ادعیه صحیفه سجّادیه، نشان می‌دهد که امام سجّاد علیه السلام با آگاهی کامل از فنون بلاغت، کلامی فصیح و بلیغ را برای ارتباط با خداوند و هدایت انسان‌ها به‌کار گرفته است. کاربرد اسلوب قصر در ادعیه امام سجّاد علیه السلام دارای اهداف و اغراض متعددی است. ایشان با بهره‌گیری از این فن بلاغی، علاوه بر تأکید بر اعتقادات دینی، به نکات تربیتی مهمی نیز اشاره می‌کند و مخاطب را به سوی تعالی و رشد معنوی رهنمون می‌سازد و نه تنها تعالیمی که از نظر ایشان از اهمیت بسزایی برخوردار بوده را نمایان ساخته است؛ بلکه با ایجاد زیبایی و آهنگ در کلام، تأثیرگذاری آن را افزایش می‌دهد.

۶. اسلوب قصر یا حصر محدود به گونه‌های مشهور نیست؛ بلکه در صحیفه سجّادیه و به‌طور ویژه در دعای (۴۴) و (۴۵) گونه‌های فراوان غیرمشهور نیز، وجود دارد که به مانند گونه‌های مشهور به جهت تأثیرگذاری در فرآیند ترجمه دعا و کشف جنبه‌های بلاغی و ادبی از اهمیت بالایی برخوردارند.



۷. حدود ۵۴۰ اسلوب قصر (اعم از مشهور و غیرمشهور) در ۲۳ گونه متنوع، در این دو دعا به کار رفته است.

۸. اسلوب «نفی+استثنا» و «تقدیم» از گونه‌های مشهور و همچنین «اضافه به ضمیر»، «اسناد مرتین»، «تعلیل»، «باب تفعیل»، «تکرار»، «تعریف الجزئین» و «نعت تخصیصی» از گونه‌های غیرمشهور و پرکاربردترین اسلوب قصر در این دو دعا به حساب می‌آیند.

۹. عمل کرد دو مترجم در برگردان اسلوب قصر مفرد (چه مشهور، و چه غیرمشهور) تا حدودی موفق‌آمیز بوده؛ ولی در بازتاب اسلوب متداخل و متوالی در ترجمه خیلی رضایت بخش نبوده و از نقاط ضعف این دو مترجم محسوب می‌گردد.

۱۰. اگر اسلوب «اضافه به ضمیر» را به عنوان پرکاربردترین اسلوب تأکید در این دو دعا، کنار بگذاریم، در سایر اسلوب‌ها (چه مشهور و چه غیرمشهور)، این دو مترجم عمل کرد موفق نداشته و تنها کمتر از چهل درصد را در ترجمه بازتاب داده‌اند.

۱۱. عمل کرد استادولی و موسوی گرمارودی در برگردان اسلوب «نفی+استثنا»، «ماده اختصاص»، «نفس»، «صیغه تعجب» و «نعت تخصیصی» صد درصد، در برگردان اسلوب «اضافه به ضمیر»، «تکرار»، «اسناد مرتین» و «مفعول مطلق نوعی» بیش از پنجاه درصد، در برگردان اسلوب «باب اشتغال»، «تعلیل» و «قد» کمتر از چهل درصد و در برگردان سایر اسلوب صفر درصد بوده است.

❁ فهرست منابع

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
۲. اصفهانی، راغب، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیة.
۳. آقاحسینی، حسین؛ جمالی، فاطمه، (۱۳۹۰ش)، «قصر و حصر در متون نثر عرفانی»، نشریه نثر پژوهی ادب فارسی، ش ۲۹، صص ۱-۸.
۴. تفتازانی، مسعود بن عمر؛ جرجانی، علی بن محمد؛ خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن؛ سکاکی، یوسف بن ابی بکر، (بی تا)، کتاب المطول و بهامشه حاشیة السید میرشریف، بی جا، مکتبة الداوری.
۵. خزاعی فر، علی، (۱۴۰۲ش)، «بلاغت در ترجمه چیست و عناصر بلاغی کدام است؟»، فصلنامه مترجم، ش ۸۰، صص ۳-۱۳.
۶. زویعی، طالب محمد اسماعیل، (۱۹۹۷م)، البلاغة العربية علم المعانی بین بلاغة القدماء و اسلوبیة المحدثین، بنگازی، منشورات جامعة قازیونس.
۷. سبکی، علی بن عبدالکافی، (بی تا)، عروس الأفراح فی شرح تلخیص المفتاح، تحقیق: عبدالحمید هندوای، بیروت، المکتبة العصرية.
۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۱۶ق)، الإقتان فی علوم القرآن، تحقیق: سعید المندوب، لبنان، دارالفکر.
۹. شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴ش)، بیان و معانی، تهران، انتشارات فردوس.
۱۰. صالحی، فاطمه، (۱۳۹۵ش)، قصر و حصر کارکرد آن در زبان سعدی، کنفرانس بین المللی روی کردهای نوین علوم انسانی در قرن ۲۱.
۱۱. عالم زاده نوری، محمد، (۱۳۹۷ش)، «مفاد حقیقی اسلوب حصر (قصر) در آیات و احادیث»، نشریه علوم حدیث، ش ۸۷، صص ۷۱-۹۰.
۱۲. عشایری منفرد، محمد، (۱۳۹۲ش)، تحلیل ادبی نهج البلاغة و صحیفه سجادیة، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۳. علایی رحمانی، فاطمه؛ صرفی، زهرا؛ خزائلی، معصومه، (۱۴۰۱ش)، «اخلاق عبادی دعا در ماه رمضان بر اساس تحلیل محتوای دعاها ۴۴ و ۴۵ صحیفه سجادیة»، مطالعات اخلاق کاربردی، ش ۴۶، صص ۱۴۹-۱۷۶.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ آل عصفور، محسن، (۱۴۰۹ق)، العین، تحقیق: مهدی مخزومی، تحقیق ابراهیم سامرائی، چاپ دوم، قم، مؤسسه دارالهجرة.
۱۵. فرشیدورد، خسرو، (۱۳۷۳ش)، درباره ادبیات و نقد ادبی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.



۱۶. فیومی، احمد بن محمد؛ رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد؛ غزالی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، چاپ دوم، قم، مؤسسه دارالهجرة.
۱۷. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۱۸. کاکه‌رش، فرهاد؛ آریان، حسین، (۱۳۹۷ش)، «شگردهای قصر و قصر در غزلیات سعدی، معیار سنجش کلام هنری بلاغت فارسی»، نشریه متن پژوهی ادبی، ش ۷۶، صص ۱۱۵-۱۴۲.
۱۹. کاکه‌رش، فرهاد؛ آریان، حسین، (۱۳۹۹ش)، «شگردهای قصر در اشعار حافظ معیار ساختار زبان و بلاغت فارسی»، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، ش ۳، صص ۱۱۴-۱۳۱.
۲۰. لطفی، سارا، (۱۳۹۹ش)، «آشنایی با شیوه‌های استفاده از قصر و قصر در غزلیات خواجهی کرمانی»، پنجمین کنفرانس بین المللی زبان، ادبیات تاریخ و تمدن.
۲۱. لطیفی حسینی، عذرا السادات؛ مهتدی، حسین؛ فرع شیرازی، سیدحیدر، (۱۴۰۳ش)، «واکاوی انواع قصر مرکب «متداخل»، «متوالی» و «متناثر» در سیاق قرآن کریم: با تکیه بر اتحاد موضوع و تعدد اسالیب»، پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، ش ۲۶، صص ۴۱-۵۸.
۲۲. محمودی، فاطمه؛ شریف عسکری، محمدصالح؛ ناظمیان، هومن، (۱۳۹۵ش)، *بررسی اسلوب قصر در صحیفه سجّادیه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه خوارزمی تهران.
۲۳. مدرس افغانی، محمد علی، (۱۳۶۲ش)، *المدرس الأفضّل فیما یرمز و یشار الیه فی المطول*، قم، دارالکتاب.
۲۴. ولوی، سیمین؛ تیزغم، طاهره، (۱۳۹۱ش)، «نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن کریم»، فصلنامه سراج منیر، ش ۷، صص ۱۴۵-۱۷۱.



دراسات في الأدب العربي

السنة ٣، العدد ٥، الربيع والصيف، ١٤٤٧-١٤٤٦

ISSN: 2676-7716

المقال البحثي

إعادة قراءة تحليلية-نقدية لترجمة أسلوب القصر في الدعاءين (٤٤) و(٤٥) من الصحيفة السجّادية (تحليل نموذجي: ترجمة موسوي گرمارودي وأستاذولي)



سعيد فخرآرا^١ ID

عليرضا خوينان^٢ ID

مهدي رضائي^٣

المخلص

يُعدّ أسلوب القصر من أكثر الأساليب البلاغية استخداماً وأهميةً في إبراز المحتوى وتأكيد في الخطاب. إذ تُعرض المفاهيم التي يوليها المتكلم اهتماماً خاصاً من خلال هذا الأسلوب، مما يستدعي دقةً عاليةً عند ترجمة هذا الفن البلاغي. يتضمن دعاء الدخول ودعاء الوداع لشهر رمضان نماذج متعددة من أساليب القصر، حيث لا تقتصر على إبراز فضائل الشهر الكريم، بل تُقدّم أيضاً تعاليم إسلامية مهمة. تهدف هذه الدراسة، التي تعتمد المنهج التحليلي-النقدي، إلى فحص الأساليب المشهورة وغير المشهورة للقصر في هذين الدعاءين، مع تقييم دقيق لترجمتي حسين أستاذولي وسيد علي موسوي گرمارودي. وقد أظهرت النتائج أن أداء المترجمين في ترجمة أسلوب «النفي مع الاستثناء»، و«مادة الاختصاص»، و«النفيس»، و«صيغة التعجب»، و«النعت التخصيصي» كان بنسبة مئة بالمئة، وفي ترجمة أسلوب «الإضافة إلى الضمير»، و«التكرار»، و«الإسناد مرتين»، و«المفعول المطلق النوعي»، تجاوزت النسبة خمسين بالمئة، بينما كانت أقل من أربعين بالمئة في ترجمة أسلوب «باب الاشتغال»، و«التعليل»، و«قد»، ولم تُترجم باقي الأساليب إطلاقاً.

الكلمات الرئيسية: أسلوب القصر، الصحيفة السجّادية، ترجمة موسوي گرمارودي، ترجمة أستاذولي.

تاريخ الإستلام: ١٤٠٤/٢/٢٨ هـ. ش تاريخ القبول: ١٤٠٤/٣/٢٥ هـ. ش

١. طالب في المستوى الرابع في الحوزة العلمية، تخصص الأدب العربي - فرع الترجمة البلاغية، مدرسة نواب العلمية العليا، مشهد إيران
fakhrarasaeed40961@gmail.com (المؤلف المسؤول).

٢. طالب في المستوى الرابع في الحوزة العلمية، تخصص الأدب العربي - فرع الترجمة البلاغية، مدرسة نواب العلمية العليا، مشهد إيران.
alireza39229@gmail.com

rezaeemahdi59@gmail.com

٣. مدير قسم اللغة العربية وآدابها في مدرسة نواب العلمية العليا.



Semiannual Journal Inquiries into Arabic Literature
Vol. 3, No.5 – Spring & Summer 2025-2026
ISSN: 2676-7716

Research Article

A Critical-Analytical Reassessment of the Translation of Uslūb al-Qaṣr (Exclusivity Rhetoric) in Supplications (44) and (45) of Al-Ṣaḥīfah al-Sajjādiyyah (Case Study: Translations by Mūsawī Garmārūdī and Ostādwali)

Saeed Fakhrara¹ 

Alireza Khoieenan² 

Mahdi Rezaei³



Abstract

The rhetorical uslūbs (Methods) of qaṣr (exclusivity) stands as the most frequently employed and crucial instrument for highlighting and emphasizing the content of discourse. Concepts deemed of particular significance by the speaker are conveyed through this stylistic method; hence, its translation necessitates heightened precision. Supplication for Ramadan's Arrival and Farewell, which encompass various forms of qaṣr, not only underscore the virtues of the holy month (Ramadan) but also impart certain Islamic etiquettes.

This study, employing a critical-analytical methodology and a rhetorical approach, examines both well-known and less common forms of qaṣr in these two supplications, meticulously evaluating the translations rendered by Hossein Ostādwali and Seyyed Ali Mūsawī Garmārūdī.

The conducted analyses reveal that the overall performance of both translators in rendering the uslūb (method) of "negation + exception," "exclusivity particle," "nafs (self)," "exclamatory form (ṣiḡhat al-ta'ajjub)," and "restrictive adjectives (na't taḥṣīṣī)" was one hundred percent. For the uslūb of "addition to pronoun," "repetition," "double attribution (isnād marratayn)," and "categorical cognate accusatives (maf'ūl muṭlaq naw'ī)," their performance exceeded fifty percent. In translating the uslūb of "bāb ishtihāl," "causation (ta'līl)," and "qad," their accuracy was less than forty percent, and for other uslūbs, it was zero percent.

Keywords: Exclusivity Rhetoric (Uslūb al-Qaṣr), Al-Ṣaḥīfah al-Sajjādiyyah, Mūsawī Garmārūdī's Translation, Ostādwali's Translation.

Date Received: 1404/02/28 | May 17, 2025

Date Accepted: 1404/03/25 | June 15, 2025

1. Level 4 Seminary Student. Specialty: Arabic Literature with a focus on Rhetorical Translation Nawwab Higher Seminary, Mashhad, Iran.

fakhrarasaeed40961@gmail.com

2. Level 4 Seminary Student. Specialty: Arabic Literature with a focus on Rhetorical Translation . Nawwab Higher Seminary, Mashhad, Iran.

alireza39229@gmail.com

3. Head of the Department of Arabic Language and Literature. Nawwab Higher Seminary, Mashhad, Iran. rezaeemahdi59@gmail.com